

تدوین مدل ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی^۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۱۸

خلاصه

مقدمه: امروزه تلاش های زیادی برای بررسی عوامل موثر در احساسات شرم و گناه صورت می گیرد ولی مقاله حاضر با هدف تدوین مدل ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی انجام شد.

روش کار: این پژوهش به لحاظ هدف بنیادی، به لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی از نوع همبستگی، داده ها کمی و به صورت میدانی انجام می شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های آزاد در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ خواهد بود. همچنین روش نمونه گیری در این تحقیق، تصادفی چند مرحله ای می باشد. ترتیب مراحل نمونه گیری به این شکل است که ابتدا لیست دانشگاه های آزاد شهر تهران تهیه و به روش تصادفی ساده چهار دانشگاه انتخاب می شوند. با توجه به نوع پژوهش که بر مبنای مدل یابی و تدوین مدل ساختاری می باشد تعداد نمونه های ۵۰۰ نفری متوسط، نمونه های ۷۰۰ نفری خوب و ۱۰۰۰ نفری عالی است.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد که مدل پیشنهادی مورد نظر تدوین مدل ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی از برآزش لازم برخوردار است. و مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم در تبیین احساسات شرم و گناه معنی دار است. **نتیجه گیری:** با توجه به این نتایج، آموزش عاطفه مثبت باعث کاهش احساسات شرم و گناه می شود و به تبع آن باعث افزایش مهارت های اجتماعی می شود، پیشنهاد می گردد.

کلمات کلیدی: شرم و گناه، سرشت و منش، عاطفه مثبت و منفی، مهارت های اجتماعی.

مریم مقومی^۱

پروین کدیور^{۲*}

هادی هاشمی رزینی^۳

مژگان سپاه منصور^۴

۱ دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استاد گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳ استادیار گروه روانشناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۴ دانشیار گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Email: Kadivar220@yahoo.com

مقدمه

شرم و گناه هیجان های هشیارانه ای هستند که از نظر رفتاری، شناختی و عاطفی متمایزند (چری، تایلور، براون، رایگی و سالوود، ۲۰۱۷؛ تانگی، استویج و ماشک، ۲۰۰۷). تمایز اصلی بین هیجان شرم و گناه اهمیت نقش "خود" است (تانگی و تریسی، ۲۰۱۲). گناه نشان دهنده قضاوت در مورد رفتار یا عمل فرد است که در نتیجه این قضاوت فرد می تواند رفتار یا عملش را که تأثیر نامطلوبی بر دیگری داشته است، تغییر دهد. به عنوان مثال من این عمل یا رفتار بد را انجام دادم (تانگی و تریسی، ۲۰۱۲) احساس شرم نشان دهنده قضاوت پایدار و با ثبات در مورد خود و یا شخصیت فرد است که می تواند ناشی از ادراک ارزیابی منفی از دیگران نسبت به خود یا ارزیابی منفی از خود باشد. به عنوان مثال، من بد هستم. در احساس گناه خود مرکز توجه نیست، بلکه جنبه ویژه ای از رفتار فرد مرکز توجه است. در مقابل در احساس شرم خود مرکز توجه است که در آن فرد ممکن است احساس بی ارزشی و احساس کوچک بودن را تجربه کند و می تواند باعث شود شخص تمایل به فرار کردن از موقعیت و مخفی کردن خود داشته باشد (تانگی و دیرینگ، ۲۰۰۲؛ نقل از کاولرا و پیه، ۲۰۱۴). یکی از متغیرهای که با احساسات شرم و گناه رابطه دارد و می تواند آن را پیش بینی یا تبیین کند عاطفه مثبت یا منفی افراد می باشد.

در پژوهشی که توسط استویج^۱ و مک کلووسکی^۲ (۲۰۰۵) با عنوان رابطه بدر رفتاری با کودک و احساسات شرم و گناه در میان نوجوانان: ریشه های روانشناختی افسردگی و بزهکاری صورت گرفت، مطالعه به صورت پژوهش های طولی در کودکان سنین ۸ سال تا مرحله نوجوانی بود. نویسندگان این

فرضیه را بررسی کردند که اشکال سواستفاده از کودکان شامل (خشونت والدین، سواستفاده های جنسی، شاهد خشونت بودن) در کودکی و سبک های والدگری در نوجوانی بر روی احساسات شرم و گناه نوجوانان تأثیر دارند. نتایج نشان داد که خشونت والدین در کودکی با استعداد شرم در نوجوانی مرتبط بود. همچنین نوجوانان دارای والدین طرد کننده نیز مستعد احساس شرم بودند. پژوهش تانگی و همکاران (۲۰۰۷)، به این نتیجه رسیدند که احساس گناه با بزهکاری و رفتارهای ضد اجتماعی و خطر پذیر رابطه معکوس دارد.

دینر^۳ (۱۹۹۴) تأکید می کند که متعارف ترین وجوه توصیف کننده تجارب عاطفی، عاطفه مثبت و منفی هستند. عواطف مثبت بیانگر سطحی از مشغولیت خوشایند است که طیفی از هیجان های مثبت شامل اشتیاق، سربلندی، نیرومندی، و علاقه مندی را شامل می شود. در مقابل، عواطف منفی دربردارنده سطحی از مشغولیت غیر خوشایند است که طیفی از هیجان های منفی شامل احساس گناه، شرمساری، بی قراری، پریشانی و نهایتاً رفتار تکانشی را در بر دارد. نتایج مطالعات مختلف از استقلال مفهومی وجوه دوگانه عواطف مثبت و منفی به طور تجربی حمایت کردند (ابسونانی، ریگان، اسمیت، رایس، هیگا- مک میلان و چوریتو، ۲۰۱۲). منظور از مهارت کنترل عواطف این است که فرد بیاموزد که چگونه عواطف خود را در موقعیت های گوناگون تشخیص، و آن را ابراز و کنترل نمایند (کوئیگا، ۲۰۱۴). عواطف بخش مهم و اساسی زندگی انسان را تشکیل می دهند به گونه ای که تصویر زندگی بدون آن پنداری دشوار است. ویژگی ها و تغییرات عواطف، چگونگی ارتباط گیری عاطفی، درک و تفسیر عواطف دیگران نقشی مهم در رشد

۱. Ebessutani, Regan, Smith, Reise, Higa-McMillan & Chorpita

۲. Cotiga

۳. Stuewig

۴. McCloskey

۵. Diener

و سازمان شخصیت، تحول اخلاقی، روابط اجتماعی، شکل-گیری هویت و مفهوم خود دارد (مرز، مل کارن، روسچ، کو، امرسون، روما و همکاران؛ ۲۰۱۳). بنابراین، مهارت کنترل عواطف بر جنبه های مختلف زندگی فرد، تعاملات بین فردی، بهداشت روانی، سلامت فیزیکی، جسمی و کنترل تکانشی تأثیر دارد (کوئیگا، ۲۰۱۴). یکی از متغیرهای که با احساسات شرم و گناه رابطه دارد و می تواند آن را پیش بینی یا تبیین کند سرشت و منش افراد می باشد. شمار زیادی از تحقیقات (کلاسون و سوهلبرگ؛ ۲۰۰۲؛ گیلبرت^۳ و همکاران، ۲۰۰۳ و میلز؛ ۲۰۰۳) نشان می دهد که جنبه های خصوصی از رفتارهای منفی والدین، مانند طرد والدین رابطه مثبت و معناداری با احساس شرم در فرزندان دارد.

طبق مدل عصبی-زیستی، شخصیت دارای دو بعد سرشت^۵ و منش^۴ است. سرشت پاسخ دهی هیجانی خودکار است که بر جنبه های هیجانی، انگیزشی و سازشی شخصیت تأکید دارد، تا اندازه زیادی در زمان تولد وجود داشته و در طی زندگی ثابت می ماند. در مقابل منش به خودپنداره ها و تفاوت های فردی در اهداف، ارزشها و انتخاب های فرد در زندگی بر می گردد که متأثر از یادگیری اجتماعی بوده و در طول زندگی رشد می کند (مترو و آلکین؛ ۲۰۱۲). مدل عصبی-زیستی کلونینجر^۶ شامل چهار بعد سرشتی آسیب گریزی^۹، نوجویی^{۱۰}، پاداش وابستگی^{۱۱} و پشتکار^{۱۲} و سه بعد منشی خودهدایتی^{۱۳}، همکاری^{۱۴} و خودفراروی^{۱۵} می باشد (کاپلان و سادوک؛ ۲۰۰۷).

سرشت به عنوان سوگیری ارثی در هیجانها و یادگیری مفهوم بندی شده که زیربنا و اساس اکتساب صفات رفتاری خودکار و هیجان مدار و عاداتی است که در سال های اولیه زندگی قابل مشاهده هستند و تقریباً در طول زندگی فرد، پایدار می باشند. هر یک از ابعاد اساسی چهارگانه ی سرشتی یک صفت دارای توزیع طبیعی است که تقریباً ارثی، قابل مشاهده در کودکی و نسبتاً پایدار در طول زمان می باشد و تا حدودی توانایی پیش بینی رفتار فرد در بزرگسالی را دارند. تفاوت های سرشتی که در ابتدا ثابت نیستند، تمایل به تثبیت در طول سال دوم و سوم زندگی دارند. منش، شامل تفاوت های فردی در مفهوم خود و روابط شیئی است که منعکس کننده اهداف و ارزش های فردی می باشد. فرد این اهداف و ارزش ها را به طور منطقی و ارادی می سازد (کاپلان و ساداک، ۲۰۰۷).

یکی از متغیرهای خیلی مهم در رابطه بین سرشت و منش و عواطف مثبت و منفی با احساس شرم و گناه، مهارت های اجتماعی است به عنوان یک رفتار مهارتی در سالهای اخیر روانشناسان تحقیق پیرامون ماهیت رفتارهای مهارتی را به طور جدی شروع کرده اند. رشد مطالعه ها در این حوزه به کارهای (گراهنم و ارگیل^{۱۷} ۱۹۶۰) مربوط است؛ آن ها به طور مشترک تحقیقی را درباره شباهت های تعامل انسان (ماشین و انسان) انسان طراحی کردند و به این ترتیب خطوط پایه ای مطالعه در این حوزه آغاز شد. در سال ۱۹۶۷، فیتز^{۱۸}

۱: Novelty Seeking

۱۱ Reward Dependence

۱۲ Persistence

۱۳. Self-Directedness

۱۴ Cooperativeness

۱۵ Self-Transference

۱۶ Kaplan & Sadock

۱۷ Grahmen & Argil

۱۸ Fitz

۱. Merz, Malcarne, Roesch, Ko, Emerson, Roma and eta II

۲. Claesson & Sohlberg

۳. Gilbert

۴. Mills

۵. Temperament

۶. Character

۷. Mertol & Alkin

۸. Cloninger

۹. Harm Avoidance

رفتارهایی می شود که به صورت مثبت یا منفی تقویت می شوند و نه رفتارهایی که مورد تنبیه واقع می شوند یا توسط دیگران خاموش می شوند (کارتلج و ملبرن، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۸۵). به طور کلی مهارت های اجتماعی به رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می شود، رفتارهایی که شخص می تواند با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخ های مثبت و پرهیز از پاسخ های منفی انجامد. تراور (۱۹۸۰) مهارت های اجتماعی را به ۲ بعد تقسیم می کند: اجزاء مهارت و فرآیند های مهارت. اجزای مهارت را عناصر واحدی نظیر نگاه کردن، تکان دادن سر، یا رفتارهایی در روابط اجتماعی مانند سلام و خداحافظی تشکیل می دهند فرآیند های اجتماعی به توانایی فرد در ایجاد رفتار ماهرانه بر اساس قواعد و اهداف مربوط و در پاسخ به بازخورد اجتماعی دارد. فیلیپس^۷ می گوید کسی دارای مهارت های اجتماعی است که با دیگران طوری ارتباط برقرار کند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و یا انجام وظایف خود در حد معقولی دست یابد، بی آنکه حقوق، الزامات، رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و در حین آن بتواند در این موارد مبادله ای باز و آزاد با دیگران داشته باشد. مایکلسون و دیگران (۱۹۸۲) در ارزیابی نشانه های اجتماعی به نقش عنصر اصلی اشاره می کنند.

مهارت های اجتماعی به طور معمول آموخته می شوند. شامل مجموعه ای از رفتارهای کلامی و غیر کلامی گوناگون و ویژه اند. مستلزم داوطلب شدن و ارائه پاسخ های مناسب و موثرند. تقویت اجتماعی دیگران را به حداکثر می رساند. ماهیتی تعاملی دارند و به زمان بندی مناسب و تاثیر متقابل

و پوسفر^۱ در بحث مهارت های فنی بر اهمیت مهارت های اجتماعی تاکید کردند. مخصوصا اینکه انسان باید نحوه ارتباط با دیگران را یاد بگیرند و الگوی اجتماعی پیچیده ای را از گردش کسب کنند. (روستین^۲، ۱۹۸۷، به نقل از اسلام دوست، ۱۳۸۳). در متون روانشناسی مفهوم مهارت های اجتماعی به صورت های مختلف زیر تعریف شده است.

هارجی^۳ (۱۹۸۶) با وجود تعریف های ماهرانه به شش جنبه مهارت های اجتماعی اشاره می کند او میگوید: مهارت های اجتماعی عبارت است از مجموعه ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت که آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می باشد. (هارجی و دیگران، ترجمه بیگی و فیروز بخت، ۱۳۸۴). هالینگر^۴ (۱۹۸۷) مهارت های اجتماعی را مهارت هایی می داند که برای داشتن ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش توسط آن ها ضروری است. گرشام (۱۹۸۶، ۱۹۸۱، ۱۹۸۸) محدودیت های اجتماعی را رفتارهایی می داند که احتمال دریافت تقویت را به حداکثر می رسانند و احتمال تنبیه موكول به رفتار اجتماعی فرد را کاهش میدهند. از نظر وی مهارت های اجتماعی رفتارهایی هستند که در موقعیت های معین، پیامدهای اجتماعی مهم را پیش بینی می کنند (گرشام و الیوت، ۱۹۸۷، به نقل از کارتلیج و ملبرن، ترجمه نظری نژاد، ۱۳۸۵). تعریف دیگری که بارها نقل شده از کومز و اس لبی^۵ است: توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه ای اجتماعی خاص، به طریقی خاص که در عرف جامعه، قابل قبول یا ارزشمند باشد و در عین حال برای شخص سودمند افتد، بهره ای دو جانبه داشته باشد و یا نخست برای دیگران نافع باشد، به بیان دیگر مهارت های اجتماعی استعدادی است که باعث بروز

۵. Combs & slaby

۶. Trower

۷. Philips

۸. Michelson

۱. Usfer

۲. Rustin

۳. Harji

۴. Halinger, Q

از رفتارها احتیاج دارند. تحت تاثیر عوامل محیطی همچون سن، جنس و پایگاه، طرف مقابل می باشد. تعریف زیر شاید مناسب ترین تعریفی باشد که هارجی (۱۹۸۶) از مهارت های اجتماعی به عمل آورده است وی مهارت های اجتماعی را به این صورت تعریف کرده است، مجموعه ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می باشد. در این تعریف بر شش مورد از مولفه های مهارت های اجتماعی تاکید شده است. نخست اینکه رفتارهای اجتماعی هدفمند. ما از این رفتارها برای کسب نتایج مطلوب استفاده می کنیم. بنابراین بر خلاف سایر رفتارها که اتفاقی یا غیر عمدی هستند مهارت های اجتماعی هدف دارند. رفتارهای دارای مهارت های اجتماعی با هم ارتباط درونی دارند. یعنی آن ها رفتارهای همزمانی هستند که به منظور رسیدن به یک هدف مشترک به کار گرفته می شود. مهارت های اجتماعی باید متناسب با موقعیتی باشند که در آن به کار گرفته می شوند. در حالی که رفتارهای معینی اگر در یک موقعیت به کار روند مناسب خواهند بود ولی به کارگیری آن ها در زمینه ای دیگر می تواند غیر قابل پذیرش باشد. مهارت های اجتماعی در واقع واحد های رفتاری مجزا هستند. فردی که از لحاظ اجتماعی مهارت دارد قادر است رفتارهای مختلف و مناسبی داشته باشد. او این توانایی های اجتماعی را در غالب عملکرد رفتاری پی ریزی می کند. این نکته یکی از ویژگی های بارز ارتباط اجتماعی ماهرانه است. پنجمین جنبه، آموختنی بودن مهارت های اجتماعی است. در حال حاضر تمامی محققان اتفاق نظر دارند که اکثر رفتارهای اجتماعی آموختنی و قابل یادگیری هستند.

آخرین بخش این است که افراد بر این مهارت ها کنترل شناختی دارند. بنابراین کسی که از لحاظ اجتماعی کمبود مهارت دارد ممکن است عناصر اصلی مهارت اجتماعی را فراگرفته باشد اما از فرآیند های فکری لازم برای استفاده از این عناصر در تعاملات خود بی بهره باشد. یکی از جنبه های مهم، کنترل زمان بندی رفتارهای اجتماعی است. یعنی باید از رفتارهای ماهرانه در ما وقع مناسب استفاده کرد. مثلا اگر می خواهیم بر توان تقویت تشویق های کلامی بیفزاییم از آن ها بلافاصله پس از اظهار نظرهای طرف مقابل استفاده کنیم (هارجی، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۲). برای بررسی تدوین مدل ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی، مدل مفهومی ارائه شده در شکل ۱ ترسیم شد. سپس، این مدل مفهومی با استفاده از روش تخمین حداکثر درست نمایی در مدل یابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار می گیرد. در نهایت با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل مفهومی پژوهش فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. در مدل مفهومی پژوهش، متغیر سرشت و متغیر منش و عاطفه مثبت و منفی به عنوان متغیرهای برونزاد^۱ متغیر مهارت های اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته میانی یا متغیر میانجی^۲ گر او متغیرهای احساس شرم و احساس گناه به عنوان متغیرهای وابسته نهایی یا درونزاد^۳ در نظر گرفته شدند. تحقیقات انجام شده نشان می دهد که سرشت و منش هم به صورت مستقیم و هم با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی و عاطفه مثبت و منفی می تواند میزان احساسات شرم و گناه آنان را پیش بینی کند. از آنجای که در کشورمان چنین پژوهشی انجام نشده است و اصولا انجام پژوهش بر روی متغیرهای همچون شرم و گناه

خود گزارش دهی و عدم داشتن اختلالات شدید روانپزشکی بر اساس خود گزارش دهی

ابزار و مقیاس های پژوهش

مقیاس آمادگی شرم و گناه؛ این مقیاس توسط کوهن، ولف، پنتر و اینسکو (۲۰۱۱) ساخته شده است و دارای ۱۶ گویه برای سنجش دو بعد شرم و گناه می باشد. در این مقیاس سناریوهایی در مورد موقعیت هایی که افراد در زندگی روزمره با آنها مواجه می شوند و واکنش های آنها به این موقعیت ها ارائه می شود. سپس از شرکت کنندگان خواسته می شود خود را در آن موقعیت تصور کرده و میزان احتمال واکنش خود را در این شرایط بر روی یک مقیاس پنج درجه ای مشخص کنند. تحلیل عامل توسط سازندگان مقیاس نشان می دهد که احساس گناه دارای دو زیر مقیاس ارزیابی منفی و انجام اعمال جبرانی به دنبال تخلف فرد است و احساس شرم متشکل از زیر مقیاس های خود ارزیابی منفی و رفتار کناره جویانه به دنبال افشای عمومی تخلف است. کوهن و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده اند که گرچه همبستگی زیادی بین زیر مقیاس های احساس گناه وجود دارد، ارتباط زیر مقیاس های شرم با یکدیگر ضعیف است. آنها در دو بررسی جداگانه ضرایب آلفای مطلوبی (بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۱) برای زیر مقیاس های این مقیاس به دست آورده اند. نتایج بررسی پایایی همسانی درونی مقیاس احساسات شرم و گناه در پژوهش جوکار و کمالی (۱۳۹۴) نشان می دهد که ضریب آلفای کرونباخ برای احساس گناه، احساس شرم و کل مقیاس به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۷۹ و ۰/۸۶ می باشد که نشان دهنده پایایی مطلوب برای خرده مقیاس ها و کل مقیاس احساسات شرم و گناه است. تحلیل عامل تاییدی^۱ بررسی روایی سازه^۲ و پایایی مقیاس احساسات شرم و گناه در

و همچنین سرشت و منش تازگی دارد، لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا الگوی ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی دانشجویان دارای برازش قابل قبولی است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. از آنجایی که در این پژوهش ارزیابی مدل طراحی شده بر اساس مبانی نظری و تحقیقات گذشته انجام می شود از شیوه مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار آموس (AMOS) استفاده می شود. داده ها صورت کمی، پژوهش از نظر هدف بنیادی، از نظر شیوه اجرا میدانی و در سطح مقیاس فاصله ای می باشد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه برداری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه های آزاد در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بود. روش نمونه گیری در این تحقیق، تصادفی چند مرحله ای می باشد. ترتیب مراحل نمونه گیری به این شکل بود که ابتدا لیست دانشگاه های شهر تهران آزاد تهیه و به روش تصادفی ساده چهار دانشگاه (تهران مرکز، تهران غرب، علوم و تحقیقات و تهران شمال) انتخاب شدند. با توجه به نوع پژوهش که بر مبنای مدل یابی و تدوین مدل ساختاری می باشد تعداد نمونه های این پژوهش از نمونه ای ۳۶۰ نفری استفاده شد. معیارهای ورود به پژوهش عبارتند از رضایت برای پاسخ به سوالات، حیطه سنی ۱۹-۲۴ سال، دانشجوی دانشگاه های آزاد تهران، مقطع تحصیلی کارشناسی، عدم مصرف داروهای روانپزشکی در شش ماه اخیر بر اساس

^۱ Construct validity

^۱. Guilt and Shame Proneness scale

^۲. Confirmatory Factor Analysis (CFA)

های شخصیتی ساخته شده است که یا از طریق وراثت (سرشت) یا از طریق محیط (منش) در فرد وجود دارد. این مدل هفت عامل را اندازه گیری می کند.

در این پرسشنامه جملاتی مشاهده می شود که معمولاً مردم برای بیان نگرش ها، نظرات، علایق و احساسات شخصی خود به کار می برند. این پرسشنامه ۱۲۵ سؤال دارد و هر آزمودنی به این سؤالات بصورت بلی و خیر پاسخ می دهد. در این پرسشنامه سرشت ۴ بعد (نوجویی، آسیب پرهیزی، وابستگی به پاداش و پشتکار) و منش ۳ بعد (خودراهبری، همکاری و خودفراروی) اندازه گیری می شود. در این پرسشنامه هر یک از عوامل هفت گانه به صورت جداگانه نمره گذاری می شوند. به این صورت که هر گویه ی مثبت و نیز معکوس به نسبت سؤالات مشخص شده یک نمره می گیرد. کاویانی و پورناصح (۱۳۸۴) نسخه ای از این پرسشنامه را در ایران معرفی و اعتباریابی کردند و ضرایب پایایی بازآزمایی خرده مقیاس های این پرسشنامه را در دامنه ۰/۷۳ (برای وابستگی به پاداش) تا ۰/۹ (برای خودراهبری) و آلفای کرونباخ خرده مقیاس ها را در دامنه ۰/۶۶ (برای خودراهبری) تا ۰/۹ (برای پشتکار) گزارش کرده اند. کتابی و همکاران (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ سه خرده مقیاس نوجویی، اجتناب از آسیب و وابستگی به پاداش را در یک نمونه ۳۰۰ نفری ایرانی به ترتیب برابر ۰/۶۶، ۰/۸۵ و ۰/۶۴ به دست آورد.

مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی (PANAS): یک ابزار خودسنجی ۲۰ ماده ای است که برای اندازه گیری دو بعد خلقی یعنی عاطفه ی منفی و عاطفه ی مثبت طراحی شده است (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸؛ نقل از حسنی، ۱۳۸۷). هر خرده مقیاس ۱۰ ماده دارد که توسط آزمودنی

پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۷) برای انجام تحلیل عامل تأییدی و بررسی روایی سازه مقیاس احساسات شرم و گناه، در مدل مفهومی ۱۶ گویه مربوط به دو خرده مقیاس این مقیاس به عنوان نشانگرها یا متغیرهای مشاهده شده، و دو خرده مقیاس احساس شرم و احساس گناه به عنوان متغیرهای مکنون یا پنهان در نظر گرفته شد. در مجموع نتایج جدول نشان می دهد که مدل تحلیل عامل تأییدی مقیاس احساسات شرم و گناه برآزش مطلوب و مناسبی با داده های تجربی حاصل از نمونه پژوهش دارد. این نتایج نشان دهنده روایی سازه و تایید ساختار عاملی مقیاس احساسات شرم و گناه در جامعه ایرانی است. در پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۷) پارامترهای مدل تحلیل عامل تأییدی مقیاس احساسات شرم و گناه بررسی شد. نتایج بدست آمده نشان داد تمامی گویه های مربوط به مقیاس احساسات شرم و گناه بار عاملی معناداری بر روی عامل مکنون مرتبه مربوط به خود (خرده-مقیاس ها) دارند. این نتایج نیز نشان دهنده روایی سازه و تایید ساختار عاملی مقیاس احساسات شرم و گناه در پژوهش کلانتری (۱۳۸۸)، ضریب پایایی برای دو عامل احساس گناه و احساس شرم به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۲ می باشد.

پرسشنامه سرشت و منش (TCI): پرسشنامه مذکور توسط رابرت کلونینجر و بر اساس مدلی عمومی که شخصیت بهنجار و نابهنجار را در بر می گیرد، ساخته شده است. وی مدل عصبی-زیستی خود را برای توضیح مؤلفه های سرشت ارائه کرد (کلونینجر، ۱۹۹۱). این ابزار یک مقیاس خودگزارشی مداد-کاغذی است که ۲۱۵ ماده دارد که در این پژوهش از فرم خلاصه ۱۲۵ ماده ای آن استفاده خواهد شد و آزمودنی به هر یک از سؤالات بصورت بله، خیر پاسخ می دهد. این پرسش نامه برای سنجش خصلت ها و ویژگی

مقیاس مهارت های اجتماعی: اندازه گیری متغیر مهارت های اجتماعی نیز با استفاده از پرسشنامه پذیرش اجتماعی انجام می شود. آزمون پذیرش اجتماعی کراون و مارلو دارای ۲۳ سوال است که به صورت صحیح یا غلط پاسخ داده می شود. پاسخ ها به وسیله کلید مقیاس تطبیق داده می شود و جمع مطابقت پاسخ ها با کلید مقیاس نتیجه کلی را برای هر فرد مشخص می کند. در این مقیاس اشخاصی که بین صفر تا ۸ امتیاز بدست آورده اند اشخاصی هستند که پاسخ های آنان پذیرش اجتماعی را به دنبال ندارد و احتمالاً مورد طرد قرار می گیرند اشخاصی که بین ۹ تا ۱۹ امتیاز بدست آورده اند به طور متوسط دارای پذیرش اجتماعی هستند و رفتارهای آنان با قواعد و هنجارهای اجتماعی مطابقت می کند.

یافته ها

در این بخش شاخص های توصیفی میانگین و انحراف معیار، کمترین و بیشترین نمره متغیرهای مشاهده شده پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد. جدول ۱ این نتایج را نشان می دهد.

بر اساس یک مقیاس لیکرت پنج درجه ای (۱= بسیار کم تا ۵= بسیار زیاد) رتبه بندی می شود. مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی یک ابزار خودسنجی است که با تغییر دستورالعمل ها می توان هم بخش حالت و هم بخش رگه (خصیصه) آن را سنجید. اگر چارچوب زمانی به حالت جاری خلق و هفته جاری اشاره نماید بخش حالت عاطفه سنجیده می شود و اگر زمان طولانی تر در نظر گرفته شود بخش رگه ای (خصیصه ای) سنجیده می شود. اعتبار و روایی این مقیاس توسط مولفان آن مطلوب گزارش شده است (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸). این مقیاس، شامل ۱۰ ماده مربوط به عاطفه ی مثبت و ۱۰ ماده مربوط به عاطفه ی منفی است. از آزمودنی ها در هر دو مرحله قبل و بعد از القاء تجارب هیجانی خواسته شد که روی یک مقیاس ۵ درجه ای، از ۱ (بسیار کم یا اصلاً) تا ۵ (بسیار زیاد) مشخص کنند که «هم اکنون دقیقاً تا چه حد دارای آن ویژگی هستند» (واتسون، کلارک و تلگن، ۱۹۸۸).

جدول ۱. ویژگی های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	کمترین نمره	بیشترین نمره
سرشمت	15/64	3/82	7	25
منش	22/97	3/71	۸	30
عاطفه مثبت	41/21	6/82	10	50
عاطفه منفی	19/34	5/60	۱۰	32
مهارت های اجتماعی	28/21	5/71	13	39
گناه	34/34	3/52	۱۸	40
شرم	27/41	4/18	16	35

میانگین احساس شرم برابر با (۲۷/۴۱) و انحراف معیار آن برابر با (۴/۱۸) و کمترین نمره آن برابر با ۱۶ و بیشترین نمره برابر با ۳۵ می باشد. سایر نتایج در جدول قابل مشاهده می باشد. بررسی مفروضه- های مدلیایی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت که

همانطور که نتایج جدول ۱ نشان می دهد میانگین و انحراف معیار هر متغیر و کمترین و بیشترین نمره هر متغیر ارائه شده است. میانگین احساس گناه برابر با (۳۴/۳۴) و انحراف معیار آن برابر با (۳/۵۲) و کمترین نمره آن برابر با ۱۸ و بیشترین نمره برابر با ۴۰ می باشد.

عبارتند از: قبل از ورود به آزمون مدل مفهومی پژوهش، مفروضه- های مدل یابی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش سه مفروضه اساسی مدل یابی معادلات ساختاری شامل داده‌های مفقود، موارد دورافتاده (پرت) و نرمال بودن توزیع متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های مفقود: اگرچه در پژوهش حاضر تلاش شد تا داده‌های کاملی از گروه نمونه جمع آوری گردد، با این حال در فایل داده‌ها برخی داده‌های مفقود وجود داشت. در پژوهش حاضر داده‌های مفقود با میانگین مقادیر متغیرها جایگزین شد. موارد پرت: برای بررسی موارد پرت در پژوهش حاضر از دستور اکسلپلور در برنامه اس پی اس استفاده شد؛

نتایج بررسی موارد پرت در متغیرهای پژوهش حاضر نشان داد که در هیچ یک از متغیرهای پژوهش موارد پرت وجود ندارد. بنابراین، از این جهت مشکلی برای تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری وجود ندارد. بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده شده: برای بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای مشاهده شده در پژوهش حاضر از دو شاخص رایج برای بررسی نرمال بودن، شامل کجی^۱ و کشیدگی^۲ استفاده شد. اگر اندازه این شاخص‌ها بین ۳- تا ۳+ باشد، نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش است. جدول ۲ این نتایج را نشان می‌دهد.

جدول ۲. شاخص‌های نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	کجی	کشیدگی
سرشت	-0/242	-0/179
منش	-0/017	-0/836
عاطفه مثبت	-1/678	/625۱
عاطفه منفی	0/228	-0/569
مهارت‌های اجتماعی	-0/172	-0/591
احساس گناه	-0/327	-0/659
احساس شرم	-0/530	0/302

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که شاخص‌های کجی و کشیدگی برای متغیرهای پژوهش در دامنه ۳ تا ۳- قرار دارد؛ بنابراین، توزیع تمامی متغیرهای پژوهش نرمال است. به‌طور کلی، نتایج ارائه شده در این بخش نشان می‌دهد که تمامی مفروضه‌های اساسی تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری برقرار است و بنابراین برای این تحلیل مانعی وجود ندارد. برای بررسی مدل ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با نقش واسطه‌ای مهارت‌های اجتماعی، مدل مفهومی ارائه شده در شکل ۲

در محیط گرافیکی نسخه بیست و چهارم نرم افزار اموس ترسیم شد. سپس، این مدل مفهومی با استفاده از روش تخمین حداکثر درستنمایی در مدلیابی معادلات ساختاری مورد آزمون قرار گرفت. در نهایت با توجه به نتایج حاصل از آزمون مدل مفهومی پژوهش فرضیات پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

در مدل مفهومی پژوهش، متغیرهای سرشت، منش، عاطفه مثبت و منفی به عنوان متغیرهای برونزاد^۳ مهارت‌های

۳. exogenous

۱. skewness

۲. kurtosis

شدید شاخص های برازش مدل شده است. همبستگی مقادیر باقیمانده این متغیرها نشان دهنده همبستگی این متغیرها با یکدیگر و به معنای مشترک بودن ماهیت این مفاهیم است که از لحاظ نظری کاملاً مشخص است؛ بنابراین، چهار کوواریانس خطا بین این متغیرها به مدل اضافه شد و مدل برای بار دوم تحلیل شد. جدول ۳ شاخصهای برازش برای مدل اولیه و اصلاح شده پژوهش حاضر را نشان می دهد.

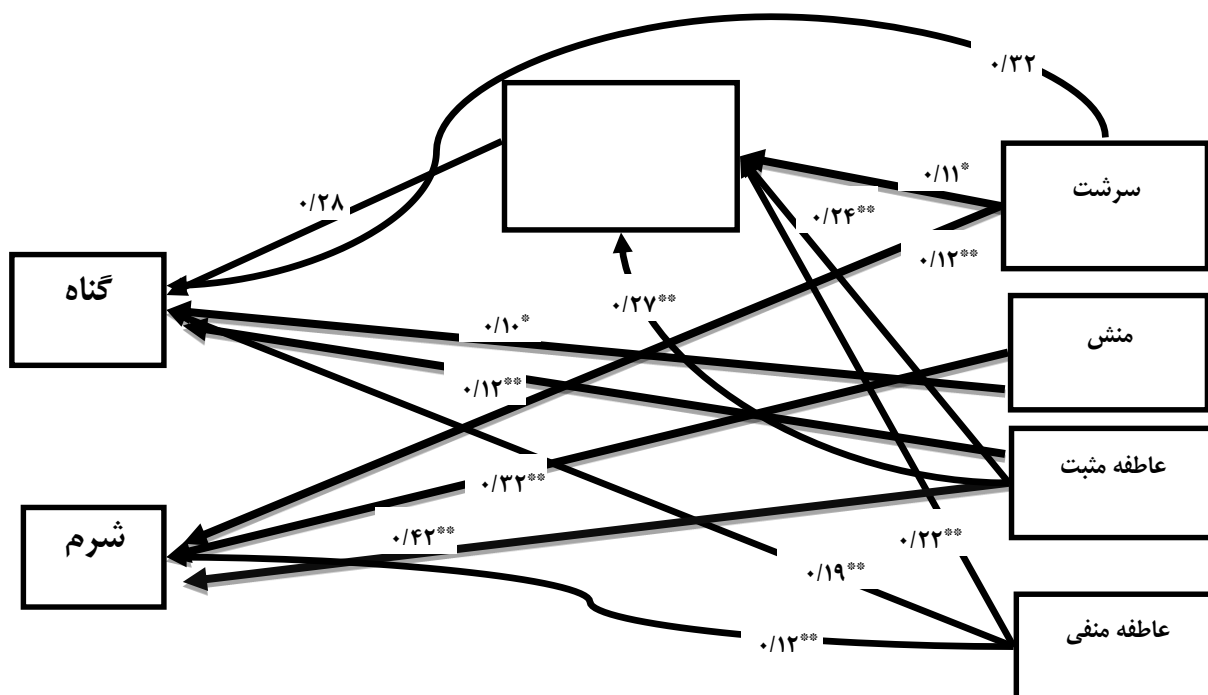
اجتماعی به عنوان متغیرهای وابسته میانی یا متغیر میانجی - گرا و متغیرهای احساس شرم و احساس گناه به عنوان متغیرهای وابسته نهایی یا درونزاد در نظر گرفته شدند. مدل بر این اساس در محیط گرافیکی اموس رسم و با استفاده از روش حداکثر درستنمایی مورد تحلیل قرار گرفت. پس از انجام تحلیل، شاخص های اصلاح در نرم افزار اموس نشان داد که مقادیر باقیمانده (خطا) متغیرهای مهارت های اجتماعی همبستگی بالایی با یکدیگر دارند و این مسئله منجر به افت

جدول ۳. شاخصهای برازش مربوط به مدل اولیه و اصلاح شده پژوهش

مدل	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	TLI	CFI	RMSEA	SRMR
اولیه	۶۳۰/۶	۲۲	۲۸/۶	۰/۸۲	۰/۵۵	۰/۶۵	۰/۵۵	۰/۵۴	۰/۲۶۵	۰/۱۵۵
اصلاح شده	۶۶/۱	۱۸	۳/۶۷	۰/۹۷	۰/۹۰	۰/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۶	۰/۰۸۲	۰/۰۵۳

در گام بعد، پارامترهای برآورد شده مدل علی احساسات شرم و گناه بر اساس سرشت و منش و عاطفه مثبت و منفی با توجه به نقش واسطه ای مهارت های اجتماعی به وسیله روش برآورد حداکثر درستنمایی مورد بررسی قرار گرفت. شکل ۲ پارامترهای برآورد شده برای این مدل، شامل ضرایب مسیر استاندارد و معناداری آنها را نشان می دهد.

همان طور که نتایج جدول ۳ نشان می دهد تمامی شاخصهای برازش برای مدل اصلاح شده پژوهش در دامنه مطلوبی قرار دارند؛ این نتایج نشان می دهد که شاخص خبی دو بر درجه آزادی کمتر از ۵، شاخص های GFI، AGFI، NFI، TLI و CFI بالاتر از ۰/۹، و شاخص RMSEA کمتر از ۰/۱ و شاخص SRMR کمتر از ۰/۸ می باشد (برای مرور شاخص های برازش به کلانتری، ۱۳۸۸ و هومن، ۱۳۸۵ مراجعه فرمایید)؛ این نتایج بدان معناست که داده های تجربی مدل مفهومی پژوهش حاضر را تایید می کنند. همچنین، نتایج جدول ۳ نشان می دهد که شاخص های برازش مدل اولیه پژوهش در دامنه ضعیفی قرار دارند؛ با این حال، پس از اعمال اصلاحات، شاخص های برازش مدل به طور قابل ملاحظه ای افزایش یافته اند و در دامنه مطلوب قرار گرفته اند.



شکل ۲. مدل مفهومی پژوهش

نتایج ارائه شده در شکل ۲ نشان می‌دهد که تمامی ضرایب مسیر مستقیم مدل پژوهش، در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادارند. همچنین، جدول ۴ ضرایب تعیین برای هر یک از متغیرهای درونزای مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۴ ضرایب تعیین برای هر یک از متغیرهای درونزای مدل

متغیرهای درونزای مدل	ضریب تعیین
مهارت های اجتماعی	۰/۰۸
احساس گناه	۰/۲۰
احساس شرم	۰/۲۳

گناه و بیش از ۲۳ درصد از تغییرات احساس شرم را تبیین کند. برای بررسی فرضیه های مستقیم پژوهش نتایج حاصل

علاوه بر این، نتایج ارائه شده در شکل ۴ نشان می‌دهد که این مدل توانسته است بیش از ۲۰ درصد از تغییرات احساس

ضرایب مسیر غیراستاندارد، ضرایب مسیر استاندارد، مقادیر بحرانی و اندازه معناداری آنها در جدول ۵ ارائه شده است.

از برآورد ضرایب مسیر استاندارد مدل با استفاده از روش برآورد حداکثر درستنمایی (شکل ۲) استفاده شد. پارامترهای برآوردشده برای این مسیرهای مستقیم، شامل

جدول ۵ پارامترهای برآوردشده برای فرضیه های مستقیم پژوهش

اندازه معناداری	مقادیر بحرانی	ضریب مسیر استاندارد (β)	ضریب مسیر غیر استاندارد	مسیر مستقیم	فرضیه های پژوهش
۰/۰۰۸	۲/۴۲	۰/۱۳	۰/۱۱	سرشت بر احساس شرم	فرضیه اول
۰/۰۰۱	-۴/۵۵	-۰/۱۳	-۰/۲۱	منش بر احساس شرم	
۰/۰۲۶	۱/۹۴	۰/۱۰	۰/۰۵	عاطفه مثبت بر احساس شرم	فرضیه دوم
۰/۰۴۷	۱/۶۷	۰/۱۰	۰/۱۰	عاطفه منفی بر احساس شرم	فرضیه سوم
۰/۰۰۱	۴/۹۸	۰/۲۸	۰/۲۵	سرشت بر احساس گناه	فرضیه چهارم
۰/۰۱۰	۲/۳۸	۰/۱۴	۰/۰۷	منش بر احساس گناه	
۰/۰۰۱	۳/۹۹	۰/۲۱	۰/۱۵	عاطفه مثبت بر احساس گناه	فرضیه پنجم
۰/۰۰۶	۲/۵۵	۰/۱۲	۰/۰۶	عاطفه منفی بر احساس گناه	فرضیه ششم

منش بر احساس شرم در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۶ این نتایج را نشان می دهد.

در ادامه بر اساس جدول بالا فرضیات مستقیم پژوهش به تفکیک مورد بررسی قرار می گیرد. فرضیه اول: سرشت و منش اثر مستقیم بر احساس شرم دارند. برای آزمون فرضیه اول نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم سرشت و

جدول ۶ نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول

اندازه معناداری	مقادیر بحرانی	ضریب مسیر استاندارد (β)	ضریب مسیر غیر استاندارد	فرضیه اول
۰/۰۰۸	۲/۴۲	۰/۱۳	۰/۱۱	سرشت بر احساس شرم
۰/۰۰۱	-۴/۵۵	-۰/۱۳	-۰/۲۱	منش بر احساس شرم

فرضیه دوم: عاطفه مثبت اثر مستقیم بر احساس شرم دارد. برای آزمون فرضیه دوم نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس شرم در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۷ این نتایج را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۶ برای بررسی فرضیه اول در مدل پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقیم سرشت بر احساس شرم با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۱۳ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر مستقیم منش بر احساس شرم با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۲۱- در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه اول تایید می‌گردد.

جدول ۷- نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم

فرضیه دوم	ضریب مسیر غیر ضریب مسیر استاندارد	ضریب مسیر استاندارد	مقادیر بحرانی	اندازه معناداری
عاطفه مثبت بر احساس شرم	۰/۰۵	۰/۱۰	۱/۹۴	۰/۰۲۶

فرضیه سوم: عاطفه منفی اثر مستقیم بر احساس شرم دارند. برای آزمون فرضیه سوم نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم عاطفه منفی بر احساس شرم در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۸ این نتایج را نشان می‌دهد.

نتایج جدول ۴-۷ برای بررسی فرضیه دوم در مدل پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس شرم با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۱۰ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه دوم تایید می‌گردد.

جدول ۸- نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم

فرضیه سوم	ضریب مسیر غیر استاندارد	ضریب مسیر استاندارد (β)	مقادیر بحرانی	اندازه معناداری
دلبستگی اجتنابی بر احساس شرم	۰/۲۵	۰/۲۸	۴/۹۸	۰/۰۰۱
دلبستگی اضطرابی بر احساس شرم	۰/۰۷	۰/۱۴	۲/۳۸	۰/۰۱۰

آلفای ۰/۰۵ معنادار است بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه سوم تایید می‌گردد.

فرضیه چهارم: سرشت و منش اثر مستقیم بر احساس گناه دارند. برای آزمون فرضیه چهارم نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم سرشت بر احساس گناه در تحلیل

نتایج جدول ۸ برای بررسی فرضیه سوم در مدل پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقیم دلبستگی اجتنابی بر احساس شرم با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۲۸ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. همچنین اثر مستقیم دلبستگی اضطرابی بر احساس شرم با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۱۴ در سطح

مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۹ این نتایج را نشان می دهد.

جدول ۹ - نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم

فرضیه چهارم	ضریب مسیر غیر ضریب (β)	مقادیر بحرانی	اندازه معناداری
سرشت بر احساس گناه	۰/۰۴	۰/۷۱	۰/۴۷۶
منش بر احساس گناه	۰/۱۵	۲/۸۸	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۹ برای بررسی فرضیه پنجم در مدل پژوهش نشان می دهد که اثر مستقیم سرشت بر احساس گناه با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۰۴ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار نیست ولی اثر مستقیم منش بر احساس گناه با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۲۲ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است.

فرضیه پنجم: عاطفه مثبت اثر مستقیم بر احساس گناه دارد. برای آزمون فرضیه پنجم نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس گناه در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۱۰ این نتایج را نشان می دهد.

جدول ۱۰ - نتایج حاصل از بررسی فرضیه پنجم

فرضیه پنجم	ضریب مسیر غیر ضریب (β)	مقادیر بحرانی	اندازه معناداری
عاطفه مثبت بر احساس گناه	۰/۱۵	۳/۹۹	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۱۰ برای بررسی فرضیه چهارم در مدل پژوهش نشان می دهد که اثر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس گناه با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۲۱ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه چهارم تایید می گردد.

فرضیه ششم: عاطفه منفی اثر مستقیم بر احساس گناه دارند. برای آزمون فرضیه ششم نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم عاطفه منفی بر احساس گناه در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۱۱ این نتایج را نشان می دهد.

جدول ۱۱- نتایج حاصل از بررسی فرضیه ششم

فرضیه ششم	ضریب	ضریب	مقادیر	اندازه
	مسیر غیر	مسیر	بحرانی	معناداری
	استاندارد	استاندارد		
		(β)		
عاطفه منفی بر احساس گناه	۰/۰۶	۰/۱۲	۲/۵۵	۰/۰۰۶

نتایج جدول ۱۱ برای بررسی فرضیه ششم در مدل پژوهش نشان می‌دهد که اثر مستقیم عاطفه منفی بر احساس گناه با ضریب مسیر استاندارد (β) ۰/۱۲ در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه ششم تایید می‌گردد. یکی از اهداف مهم پژوهش حاضر بررسی اثرات غیرمستقیم متغیرهای برونزاد مدل شامل سرشت، منش،

عاطفه مثبت و عاطفه منفی، بر متغیرهای درونزاد مدل شامل احساسات شرم و گناه از طریق مهارت های اجتماعی بود. در این بخش اثرات غیرمستقیم مدل و نحوه میانجیگری مهارت های اجتماعی در ارتباط بین سرشت، منش، عاطفه مثبت و منفی با احساسات شرم و گناه در قالب فرضیات غیرمستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدین منظور، برای بررسی اندازه و معناداری اثرات غیرمستقیم سرشت، منش، عاطفه مثبت و منفی بر احساسات شرم و گناه و بررسی نحوه میانجیگری مهارت های اجتماعی از آزمون سوبل^۱ (سوبل، ۱۹۸۲) استفاده شد. آزمون سوبل که در واقع گونه‌ای از آزمون t است، با استفاده از مقادیر بحرانی دو مسیر متغیر مستقل به میانجی و متغیر میانجی به وابسته محاسبه می‌شود و معناداری اثرات غیرمستقیم را نشان می‌دهد. جدول ۱۲ این نتایج را برای فرضیه های غیرمستقیم پژوهش بطور خلاصه نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. نتایج بوت استرپ برای بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم مدل

فرضیات غیر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اندازه اثر غیرمستقیم	اندازه آزمون معناداری
		استاندارد	سوبل
فرضیه اول	سرشت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس شرم دارد.	۰/۰۶۵	۳/۲۹۷
	منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس شرم دارد.	۰/۰۴۲	۲/۲۱۰

۰/۰۱۸	۲/۳۶۶	۰/۰۴۴	فرضیه دوم عاطفه مثبت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس شرم دارد.
۰/۰۴۵	۲/۰۰۲	۰/۰۲۱	فرضیه سوم سرشت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس گناه دارد.
۰/۰۴۳	۲/۳۲۱	۰/۰۴۳	منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس گناه دارد.
۰/۰۰۱	۲/۸۷	۰/۰۵۵	فرضیه ششم عاطفه مثبت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس گناه دارد.

استرپ بررسی قرار گرفت. جدول ۱۳ این نتایج را نشان می-دهد.

فرضیه اول: سرشت و منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس شرم دارد. برای آزمون فرضیه سوم نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت

جدول ۱۳. نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول غیر مستقیم

معناداری	اندازه اثر غیرمستقیم آزمون سوبل	اندازه اثر غیرمستقیم استاندارد	فرضیه سوم
۰/۰۰۱	۳/۲۹۷	۰/۰۶۵	سرشت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر شرم دارد.
۰/۰۲۷	۲/۲۱۰	۰/۰۴۲	منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر شرم دارد.

غیرمستقیم منش بر احساس شرم (از طریق مهارت های اجتماعی) ۰/۰۴۲ است، و معناداری آن برابر با (۰/۰۲۷) می باشد که معنادار است بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه سوم غیر مستقیم تایید می شود.

نتایج جدول ۱۳ نشان می دهد که اثر استاندارد غیرمستقیم سرشت بر احساس شرم (از طریق مهارت های اجتماعی) ۰/۰۶۵ است، و معناداری آن برابر با (۰/۰۰۱) می باشد که معنادار است. همچنین نتایج نشان می دهد که اثر استاندارد

فرضیه دوم: عاطفه مثبت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس شرم دارد. برای آزمون فرضیه دوم نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت جدول ۱۴. نتایج حاصل از بررسی فرضیه غیر مستقیم دوم غیر مستقیم استراب بررسی قرار گرفت. جدول ۱۴ این نتایج را نشان می - دهد.

معاداری	اندازه	اندازه اثر غیرمستقیم	فرضیه غیر مستقیم اول
سوبل	آزمون	استاندارد	
۰/۰۰۱	۲/۹۶	۰/۰۵۶	عاطفه مثبت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر گناه دارد.

نتایج جدول ۱۴ نشان می دهد که اثر استاندارد غیرمستقیم عاطفه مثبت بر احساس شرم (از طریق مهارت های اجتماعی) در سطح ۰/۰۵۶ است و معناداری آن برابر با (۰/۰۰۱) می باشد که معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه دوم غیر مستقیم تایید می شود.

فرضیه سوم: سرشت و منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس گناه دارد. برای آزمون فرضیه سوم نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم مدل با استفاده از روش بوت استراب بررسی قرار گرفت. جدول ۴-۱۷ این نتایج را نشان می دهد.

جدول ۱۵. نتایج حاصل از بررسی فرضیه سوم غیر مستقیم

معاداری	اندازه	اندازه اثر غیرمستقیم	فرضیه پنجم
سوبل	آزمون	استاندارد	
۰/۰۱۸	۲/۳۶۶	۰/۰۴۴	سرشت از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر گناه دارد.
۰/۰۱۳	۲/۹۸۸	۰/۰۳۲	منش از طریق مهارت های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر گناه دارد.

نتایج جدول ۱۵ نشان می دهد که اثر استاندارد غیرمستقیم سرشت بر احساس گناه (از طریق مهارت های اجتماعی) ۰/۰۴۴ است، و معناداری آن برابر با (۰/۰۱۸) می باشد که معنادار است. همچنین نتایج نشان می دهد که اثر استاندارد غیرمستقیم منش بر احساس گناه (از طریق مهارت های اجتماعی) ۰/۰۳۲ است، و معناداری آن برابر با (۰/۰۱۳) می باشد که معنادار است. بنابراین، با توجه به این نتایج، فرضیه پنجم تایید می شود.

بوت استراپ بررسی قرار گرفت. جدول ۱۶ این نتایج را نشان می‌دهد.

فرضیه چهارم: عاطفه مثبت از طریق مهارت‌های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر احساس گناه دارد. برای آزمون فرضیه چهارم نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم مدل با استفاده از روش

جدول ۱۶. نتایج حاصل از بررسی فرضیه چهارم غیر مستقیم

معداری	اندازه	اندازه اثر غیرمستقیم	فرضیه پنجم
	آزمون	استاندارد	
	سوبل		
۰/۰۱۸	۲/۳۶۶	۰/۰۴۴	عاطفه مثبت از طریق مهارت‌های اجتماعی اثر غیرمستقیم بر گناه دارد.

شرم و دیگر هیجانات منفی ممکن است ناشی از روابط اولیه باشد، و افراد با سرشت دشوار می‌تواند عاملی مهم محسوب شود که می‌تواند هیجانات منفی را در نوجوانی پیش بینی کند. بر طبق مدل بارثلومو (۱۹۹۰) ویژگی‌های سرشت و منش دشوار می‌تواند سبک دلبستگی نامناسبی برای فرد رقم بزند. چنین کودکانی هراسان و ترسان دارای ویژگی مشترک عدم اعتماد به خود می‌باشند این دو ویژگی در نوجوانی و بزرگسالی باعث می‌شود که افراد دارای این سبک‌های دلبستگی ناایمن و با سرشت و منش دشوار، دارای ویژگی عدم تنظیم هیجانی باشند که می‌تواند باعث به وجود آمدن استعداد شرم شود (اسچایمندی، ۲۰۱۲). پژوهش هژدنبگرگ و آندروس (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که سبک دلبستگی اجتنابی به صورت مثبت و معناداری با احساس شرم مرتبط است. در تبیین این رابطه می‌توان گفت که افرادی که دارای سبک دلبستگی اجتنابی هستند اعتماد به نفس پایینی دارند، از عزت نفس کمتری برخوردارند و معمولاً توانایی بالقوه برای خودسرزندی را دارند که همین عوامل سبب می‌شود وقتی که در موقعیت قرار می‌گیرند که

نتایج جدول ۱۶ نشان می‌دهد که اثر استاندارد غیرمستقیم عاطفه مثبت در بر احساس گناه (از طریق مهارت‌های اجتماعی) ۰/۰۴۴ است، و معناداری آن برابر با (۰/۰۱۸) می‌باشد که معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم سرشت و منش بر احساس شرم در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده نشان داد که اثر مستقیم سرشت و منش بر احساس شرم مثبت و معنادار است. نتایج این یافته با نتایج پژوهش‌های فیلیپ، یونگ و زاکالیک (۲۰۰۵)، آکباگ و اردن ایماموگلو (۲۰۱۰)، پاسانیسی و همکاران (۲۰۱۴)، گراس و هانسن (۲۰۰۰) و هایدون و شیلکرت (۲۰۰۱) همسو می‌باشد. ریشه آسیب شناختی احساس شرم ممکن است به تجربه و ویژگی‌های شخصیتی افراد در کودکی ارتباط داشته باشد و ممکن است به تجربه اولین مرحله از زندگی در پاسخ به طرد یا جدایی از مراقبت کنندگان کودک برگردد (پاسانیسی و همکاران، ۲۰۱۴). از آنجایی که

باید خود را ارزیابی کنند، معمولاً تمامیت خود را زیر سوال می‌برند و به خود کلی خود حمله می‌کنند که همین عوامل سبب می‌شود آن‌ها احساس شرم را تجربه کنند (اسچایمیتی، ۲۰۱۲). افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی به دلیل احساس ناراحتی حاصل از صمیمیت و ناتوانی در شکل دادن روابط نزدیک با دیگران احساس شرم بیشتر را در روابط بین فردی تجربه می‌کنند.

نتایج حاصل از برآورد ضریب مسیر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس شرم در تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری مدل اصلاح شده نشان داد که اثر مستقیم عاطفه مثبت بر احساس شرم مثبت و معنادار است. نتایج این یافته با نتایج پژوهش بشارت، کوچی، دهقان، فراهانی و مؤمن زاده (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. بشارت، کوچی، دهقان، فراهانی و مؤمن زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی نقش تعدیل کننده عاطفه مثبت و منفی بر رابطه بین ناگویی هیجانی نشان دادند که عاطفه مثبت در دو جهت متضاد در رابطه بین ناگویی هیجانی نقش تعدیل کننده دارد. عاطفه مثبت باعث کاهش تأثیر ناگویی هیجانی بر شدت درد و عاطفه منفی بر عکس باعث افزایش تأثیر ناگویی هیجان بر شدت درد شد. بر اساس این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین ناگویی هیجانی و شدت درد بیماران مبتلا به درد مزمن تحت تأثیر نقش تعدیل کننده عواطف مثبت و منفی قرار دارد. افزایش اثربخشی برنامه‌های درمانی درد مزمن، مستلزم مداخله‌های روان‌شناختی همزمان به طور تعدیل ناگویی هیجانی و عواطف منفی و تقویت عواطف مثبت است.

عریضی، ناصری محمد آبادی و عسگری (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان نقش عاطفه مثبت در رابطه میان عاطفه منفی با درد و استرس در زنان شاغل نشان داد که افزایش هفتگی درد و استرس، افزایش عاطفه منفی را پیش‌بینی می‌

کند. هم‌بالا بودن عاطفه مثبت هفتگی و هم‌میانگین بالاتر عاطفه مثبت، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیر مستقیم در تعامل با درد و استرس، منجر به درجات کمتر عاطفه منفی شده بود و در نهایت، افزایش در عاطفه منفی هفتگی و میانگین بالاتر عاطفه منفی با میزان بیشتر درد در هفته‌های آتی در ارتباط بودند. همچنین سلطانی و ملک‌پور و نشاط دوست (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان رابطه لذت جسمانی و عاطفه مثبت و منفی در دانشجویان اصفهان نشان دادند که هر اندازه لذت جسمانی دانشجویان بیشتر باشد، عاطفه مثبت آنها نیز بیشتر است. همچنین لذت از خوبی‌ها با عاطفه مثبت در زمان گذشته و عاطفه مثبت کلی رابطه دارد و می‌تواند ۶/۸ درصد عاطفه مثبت کلی را به طور معنی‌دای پیش‌بینی کند. اما افزایش لذت جسمانی، رابطه‌ای با میزای عاطفه منفی نداشت. به نظر می‌رسد عواطف مثبت، مقوله‌ای متفاوت از بر طرف شدن صرف نیازهای جسمانی باشد. احتمالاً آن دسته از فعالیت‌هایی که لزوماً به منظور ارضاء نیازهای جسمانی صورت نمی‌گیرد، می‌تواند بروز عواطف مثبت را به همراه داشته باشد. همچنین نادری و حیدری و مشعل‌پور (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان انعطاف‌پذیری کنشی، عاطفه مثبت و منفی با خود کار آمدی در زنان نشان دادند که انعطاف‌پذیری کنشی با خود کار آمدی رابطه مثبت دارد، عواطف مثبت با خود کار آمدی رابطه مثبت دارد و عاطفه منفی با خود کار آمدی رابطه منفی دارد، همچنین مشخص گردید که ۰/۶۳ واریانس خود کار آمدی توسط متغیرهای پیش‌بینی یعنی انعطاف‌پذیری کنشی، عاطفه مثبت و منفی قابل پیش‌بینی می‌باشد.

احساس گناه به کودکان کمک می‌کند تا در برابر تکانه‌های زیانبار مقاومت کنند و کودک بدرفتار را با انگیزه می‌کنند تا زیان وارده را جبران کرده و با ملاحظه‌تر رفتار کند

اجتماعی است که با دیگران طوری ارتباط برقرار کند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و یا انجام وظایف خود در حد معقولی دست یابد، بی آنکه حقوق، الزامات، رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و در حین آن بتواند در این موارد مبادله ای باز و آزاد با دیگران داشته باشد.

مایکلسون و دیگران (۱۹۸۲) در ارزیابی نشانه های اجتماعی به نقش عنصر اصلی اشاره می کنند .

مهارت های اجتماعی به طور معمول آموخته می شوند. شامل مجموعه ای از رفتارهای کلامی و غیر کلامی گوناگون و ویژه اند. مستلزم داوطلب شدن و ارائه پاسخ های مناسب و موثرند. تقویت اجتماعی دیگران را به حداکثر می رساند . ماهیتی تعاملی دارند و به زمان بندی مناسب و تاثیر متقابل از رفتارها احتیاج دارند. تحت تاثیر عوامل محیطی همچون سن ، جنس و پایگاه، طرف مقابل می باشد . تعریف زیر شاید مناسب ترین تعریفی باشد که هارجی (۱۹۸۶) از مهارت های اجتماعی به عمل آورده است وی مهارت های اجتماعی را به این صورت تعریف کرده است :

مجموعه ای از رفتارهای هدفمند ، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می باشد . در این تعریف بر شش مورد از مولفه های مهارت های اجتماعی تاکید شده است .

نخست اینکه رفتارهای اجتماعی هدفمند. ما از این رفتارها برای کسب نتایج مطلوب استفاده می کنیم. بنابراین بر خلاف سایر رفتارها که اتفاقی یا غیر عمدی هستند مهارت های اجتماعی هدف دارند . رفتارهای دارای مهارت های

(تانگنی، ۲۰۰۱). افراد با سبک دلبستگی ایمن حسی از اعتماد به طرف مقابل را تشکیل می دهند این ایجاد اعتماد باعث به وجود آمدن ظرفیت پاسخ دادن به صورت مثبت و همدلانه با دیگران و حفظ روابط مثبت می شود. در احساس گناه نیز یکی از جنبه های کلیدی این سازه پاسخ های همدلانه در برابر دیگران و روابط بین فردی است. به همین خاطر افرادی که از دلبستگی ایمنی برخوردارند این توانایی بالقوه را دارند که در مواقعی که در رابطه با دیگران احساس گناه می کنند، پاسخ های همدلانه از خود بروز داده و در پی جبران باشند (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲). افرادی که مستعد شرم هستند بیشتر دیگران و خود را متهم می کنند، بیشتر مستعد واکنش های پرخاشگری و خصومت ورزی هستند و به طور کلی در همدلی کردن ناتوانند(جاکوپاک، تال و رومر، ۲۰۰۵) و برعکس افرادی که مستعد گناه هستند قدرت بیشتری در همدلی، مسئولیت پذیری، کنترل خشم و گرایش به رفتارهای اخلاقی دارند (رایت، گودجانسون و یانگ، ۲۰۰۸).

به طور کلی مهارت های اجتماعی به رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه اطلاق می شود، رفتارهایی که شخص می تواند با دیگران به نحوی ارتباط برقرار کند که به بروز پاسخ های مثبت و پرهیز از پاسخ های منفی انجامد. تراور (۱۹۸۰) مهارت های اجتماعی را به ۲ بعد تقسیم می کند : اجزاء مهارت و فرآیند های مهارت. اجزای مهارت را عناصر واحدی نظیر نگاه کردن ، تکان دادن سر ، یا رفتارهایی در روابط اجتماعی مانند سلام و خداحافظی تشکیل می دهند فرآیند های اجتماعی به توانایی فرد در ایجاد رفتار ماهرانه بر اساس قواعد و اهداف مربوط و در پاسخ به بازخورد اجتماعی دارد . فیلیپس^۲ می گوید کسی دارای مهارت های

اجتماعی با هم ارتباط درونی دارند. یعنی آن‌ها رفتارهای همزمانی هستند که به منظور رسیدن به یک هدف مشترک به کار گرفته می‌شود.

مهارت‌های اجتماعی باید متناسب با موقعیتی باشند که در آن به کار گرفته می‌شوند. در حالی که رفتارهای معینی اگر در یک موقعیت به کار روند مناسب خواهند بود ولی به کارگیری آن‌ها در زمینه‌ای دیگر می‌تواند غیر قابل پذیرش باشد. مهارت‌های اجتماعی در واقع واحد‌های رفتاری مجزا هستند. فردی که از لحاظ اجتماعی مهارت دارد قادر است رفتارهای مختلف و مناسبی داشته باشد. او این توانایی‌های اجتماعی را در غالب عملکرد رفتاری پی‌ریزی می‌کند. این نکته یکی از ویژگی‌های بارز ارتباط اجتماعی ماهرانه است. پنجمین جنبه، آموختنی بودن مهارت‌های اجتماعی است. در حال حاضر تمامی محققان اتفاق نظر دارند که اکثر رفتارهای اجتماعی آموختنی و قابل یادگیری هستند.

شرم و گناه هیجان‌های هشیارانه‌ای هستند که از نظر رفتاری، شناختی و عاطفی متمایزند (چری، تایلور، براون، رایگی و سالوود، ۲۰۱۷؛ تانگنی، استویج و ماشک، ۲۰۰۷). تمایز اصلی بین هیجان شرم و گناه اهمیت نقش "خود" است (تانگنی و تریسی، ۲۰۱۲). گناه نشان دهنده قضاوت در مورد رفتار یا عمل فرد است که در نتیجه این قضاوت فرد می‌تواند رفتار یا عملش را که تأثیر نامطلوبی بر دیگری داشته است، تغییر دهد. به عنوان مثال من این عمل یا رفتار بد را انجام دادم (تانگنی و تریسی، ۲۰۱۲) احساس شرم نشان دهنده قضاوت پایدار و با ثبات در مورد خود و یا شخصیت فرد است که می‌تواند ناشی از ادراک ارزیابی منفی از دیگران نسبت به خود یا ارزیابی منفی از خود باشد. به عنوان مثال، من بد هستم. در احساس

گناه خود مرکز توجه نیست، بلکه جنبه ویژه‌ای از رفتار فرد مرکز توجه است. در مقابل در احساس شرم خود مرکز توجه است که در آن فرد ممکن است احساس بی‌ارزشی و احساس کوچک بودن را تجربه کند و می‌تواند باعث شود شخص تمایل به فرار کردن از موقعیت و مخفی کردن خود داشته باشد (تانگنی و دیرینگ، ۲۰۰۲؛ نقل از کاولرا و پیه، ۲۰۱۴). ی از متغیرهای که با احساسات شرم و گناه رابطه دارد و می‌تواند آن را پیش‌بینی یا تبیین کند عاطفه مثبت یا منفی افراد می‌باشد.

در پژوهشی که توسط استویج^۱ و مک کلووسکی^۲ (۲۰۰۵) با عنوان رابطه بدر رفتاری با کودک و احساسات شرم و گناه در میان نوجوانان: ریشه‌های روانشناختی افسردگی و بزهکاری صورت گرفت، مطالعه به صورت پژوهش‌های طولی در کودکان سنین ۸ سال تا مرحله نوجوانی بود. نویسندگان این فرضیه را بررسی کردند که اشکال سواستفاده از کودکان شامل (خشونت والدین، سواستفاده‌های جنسی، شاهد خشونت بودن) در کودکی و سبک‌های والدگری در نوجوانی بر روی احساسات شرم و گناه نوجوانان تأثیر دارند. نتایج نشان داد که خشونت والدین در کودکی با استعداد شرم در نوجوانی مرتبط بود. همچنین نوجوانان دارای والدین طردکننده نیز مستعد احساس شرم بودند. هر پژوهشی در کنار بدیع بودن و داشتن نقاط قوت، دارای برخی محدودیت‌های روش‌شناختی نیز می‌باشد. البته باید توجه داشت که محدودیت‌های پژوهش به معنی نارسایی پژوهش در مراحل تدوین، اجرا، تحلیل و تبیین نتایج نمی‌باشد. به عبارت دیگر، از زاویه روش‌شناختی محدودیت‌های اعمال شده، بیانگر توانمندی پژوهش است، چون پژوهشگر در مرحله مقدماتی و تدوین طرح با توجه‌های علمی و منطقی

مطلوب به انجام آن‌ها همت می‌گمارد. در پژوهش حاضر هم برخی محدودیت‌ها به شرح زیر وجود داشت، مطالعه حاضر این محدودیت را دارد که به دلیل تعداد زیاد سوالات پرسشنامه‌ها، احتمال خسته شدن دانشجویان و در نتیجه فهم غلط برخی از سوالات و یا پاسخ تصادفی از سوی آن‌ها وجود دارد. نتایج این پژوهش از پرسشنامه‌های خودگزارشی به دست آمده، لذا مشکلاتی که در اجرای پرسشنامه‌ها وجود دارد (مثلاً تایید اجتماعی یا وانمودگرایی) ممکن است بر نتایج آزمون تاثیرگذار باشد. از آنجایی که مدل علی روابط بین متغیرها در پژوهش حاضر جدید است و برای اولین بار به شکل فعلی در کشور اجرا شده است، در پژوهش‌های آینده بر روی جمعیت دانش آموزی نیز تکرار شود. در پژوهش‌های بعدی ارتباط بین احساسات شرم و گناه با سایر مدل‌های سرشت و منش و عواطف و احساسات به منظور پی بردن به پیش‌آیندی‌های مرتبط با شرم و گناه بررسی شوند. با توجه به نقش واسطه‌ای مهارت‌های

اجتماعی در رابطه عواطف مثبت با شرم و گناه یکی از مسایلی که استادان و والدین باید از آن اجتناب کنند اعتقادشان درباره مقایسه دانشجویان برای ایجاد رقابت بین آنان است زیرا چنین رقابت و مقایسه‌ای نه تنها در فرد باعث ایجاد احساس شرم و گناه می‌شود بلکه می‌تواند دید کودکان را به خودشان بد و منفی کند. استادان باید نسبت به همه دانشجویان یک دید مثبت داشته باشد و آن را این طور تعمیم دهد که همه دانشجویان می‌توانند دانش و مهارت‌های جدید را یاد بگیرند و دانشگاه‌ها مسئول تدریس آنها هستند. باید به این نکته توجه داشت که برخی از دانشجویان مدت زمان بیشتری برای مسلط شدن بر تکلیف نیاز دارند و در اکثر کلاس‌های درس بچه‌ها می‌توانند همه موارد را یاد بگیرند. این به این معنی است اگر دانشجویی در یک تکلیف شکست خورد آن شکست را به یک علت بی‌ثبات و قابل کنترل مانند تلاش کم نسبت دهد.

References

- بیرامی، منصور و علایی، پروانه (۱۳۹۰). شرم و گناه: رابطه‌ی هیجان‌های اخلاقی و سبک‌های فرزندپروری. [دومین همایش ملی روانشناسی خانواده](#).
- پرواز، یونس؛ خانی‌پور، حمید و پرواز، پرستو (۱۳۹۳). نقش هیجان‌های خودآگاه (استعداد شرم و استعداد گناه) و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی نشانه‌های عمومی روانپزشکی. فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی. سال نهم. شماره ۳۵. صص، ۴۸-۳۴.
- رجبی، غلامرضا؛ عباسی، قدرت‌الله (۱۳۹۰). بررسی رابطه خودانتقادی، اضطراب اجتماعی و ترس از شکست با شرم درونی شده در دانشجویان. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۱(۲)، ۱۷۱-۱۸۲.
- Ahmed, E., & Braithwaite, V. (2004). "What, me ashamed?" Shame management and school bullying. *Journal of Research in Crime and delinquency*, 41(3), 269-294.
- Ahmed, E., & Braithwaite, V. (2004). "What, me ashamed?" Shame management and school bullying. *Journal of Research in Crime and delinquency*, 41(3), 269-294.
- Akbag, M., Erden imanoglu, S. (2010). The Prediction of Gender and Attachment Styles on Shame, Guilt, and Loneliness. *Kuram ve Uygulamada Eğitim Bilimleri / Educational Sciences: Theory & Practice*. 10 (2). 669-682.

- Brophy, M., & Kruger, G. (2013). Sex Differences in the Attribution of Shame And Guilt. *Journal of Psychology*, 23(2), 251–258.
- Bruno, S., Lutwak, N., & Agin, M. A. (2009). Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, selfdisclosure, loneliness and alienation. *Personality and Individual Differences*, 47(5), 487491.
- Bruno, S., Lutwak, N., & Agin, M. A. (2009). Conceptualizations of guilt and the corresponding relationships to emotional ambivalence, selfdisclosure, loneliness and alienation. *Personality and Individual Differences*, 47(5), 487491.
- Cavalera, C., Pepe, A. (2014). Social emotions and cognition: shame, guilt and working memory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 112. 457 – 464.
- Cavalera, C., Pepe, A. (2014). Social emotions and cognition: shame, guilt and working memory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 112. 457 – 464.
- Cherry, M.G., Taylor, O.J., Brown, S.L., Rigby, J.W., Sellwood, W. (2017). Guilt, shame and expressed emotion in carers of people with long-term mental health difficulties: A systematic review. *Psychiatry Research* 249. 139–151
- Cherry, M.G., Taylor, O.J., Brown, S.L., Rigby, J.W., Sellwood, W. (2017). Guilt, shame and expressed emotion in carers of people with long-term mental health difficulties: A systematic review. *Psychiatry Research* 249. 139–151
- Cherry, M.G., Taylor, O.J., Brown, S.L., Rigby, J.W., Sellwood, W. (2017). Guilt, shame and expressed emotion in carers of people with long-term mental health difficulties: A systematic review. *Psychiatry Research* 249. 139–151
- Claesson, K., & Sohlberg, S. (2002). Internalized shame and early interactions characterized by indifference, abandonment and rejection: Replicated findings. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 9(4), 277-284. doi:10.1002/cpp.331
- Cornell, A. H. & Frick, P.J. (2007). The Moderating Effects of Parenting Styles in the Association Between Behavioral Inhibition and Parent-Reported Guilt and Empathy in Preschool Children. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, Vol. 36, No. 3, 305–318.
- Daniel, G. L.S & Marc-Robert L. d. (2006). The role of child negative affect in the relations between parenting styles and play. *Early Child Development and Care*. Vol. 176, No. 5, pp. 461–477
- Gana, K., Trouillet R., (2003). Structure invariance of the Temperament and Character Inventory (TCI). *Personality and Individual Differences*; 35:1483–1485
- Gilbert, P., Cheung, M. ., Grandfield, T., Campey, F., & Irons, C. (2003). Recall of threat and submissiveness in childhood: Development of a new scale and its relationship with depression, social comparison and shame. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 10(2), 108-115. doi:10.1002/cpp.359
- Gross, C.A., Hansen, N.E. (2000). Clarifying the experience of shame: the role of attachment style, gender, and investment in relatedness. *Personality and Individual Differences* 28, 897-907.
- Hareli, S., & Hess, U. (2008). The role of causal attribution in hurt feelings and related social emotions elicited in reaction to other's feedback about failure. *Cognition and Emotion*., 22 (5), 862_880
- Mertol, S., and Alkin, T. (2012). Temperament and character dimensions of patients with adult separation anxiety disorder. *J. Affect. Disord.* 139, 199–203. doi: 10.1016/j.jad.2012.02.034

- Mills, R. L. (2003). Possible antecedents and developmental implications of shame in young girls. *Infant and Child Development*, 12(4), 29-349. doi:10.1002/icd.308
- Mills, R. L. (2003). Possible antecedents and developmental implications of shame in young girls. *Infant and Child Development*, 12(4), 29-349. doi:10.1002/icd.308
- Mills, R. L., Arbeau, K. A., Lall, D. K., & De Jaeger, A. E. (2010). Parenting and child characteristics in the prediction of shame in early and middle childhood. *Merrill-Palmer Quarterly*, 56(4), 500-528. doi:10.1353/mpq.2010.0001.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 2663.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 2663.
- Orth, U. , Robins, R. W., & Soto, C. J. (2010). Tracking the trajectory of shame, guilt, and pride across the life span. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99 (6), 1061-1071.
- Passanisi, A., Sapienza, I., Budello, S., Giaimo, F. (2015). The Relationship Between Guilt, Shame And Self-Efficacy Beliefs In Middle School Students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 197 1013 – 1017.
- Passanisi, A., Sapienza, I., Budello, S., Giaimo, F. (2015). The Relationship Between Guilt, Shame And Self-Efficacy Beliefs In Middle School Students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 197 , 1013 – 1017.
- Rubeis, S. D. , Hollenstein, T. (2009). Individual differences in shame and depressive symptoms during early adolescence. *Personality and Individual Differences*, 46 , 477-482.
- Sadock, B.J., Kaplan, H.I. and Sadock, V.A. (2007) *Kaplan & Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Sciences/ Clinical Psychiatry*. Lippincott Williams & Wilkins, Philadelphia.
- Sangmoon, K. , Ryan, R. , & Randall S, J. (2011). Shame, guilt, and depressive symptoms: A meta-analytic review. *Psychological Bulletin*, 137(1), 68-96.
- Schoenleber, M. , & Berenbaum, H. (2012). Aversion and proneness to shame in self and informant reported personality disorder symptoms. *Personality Disorder: Theory, Research, and Treatment*, 3(3), 294-304.
- Stuewig, J., Mc Closkey, L. (2005). The Relation of Child Maltreatment to Shame and Guilt Among Adolescents: Psychological Routes to Depression and Delinquency. *Child maltreatment*. Vol. 10, No. 4, 324-336.
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Heigel, C., Harty, L., & McCloskey, L. (2010). Shaming, blaming, and maiming: Functional links among the moral emotions, externalization of blame, and aggression. *Journal of research in personality*, 44(1), 91102.
- Stuewig, J., Tangney, J. P., Heigel, C., Harty, L., & McCloskey, L. (2010). Shaming, blaming, and maiming: Functional links among the moral emotions, externalization of blame, and aggression. *Journal of research in personality*, 44(1), 91102.
- Tangney, J. P.; Stuewig, J.; Mashek, D. J. (2007). "Moral Emotions and Moral Behavior," in: *Annual Review of Psychology*, 58: 345-372
- Tangney, J., Tracy, J. (2012). Self-conscious emotions. In: Leary, M., Tangney, J. (Eds.), *Handbook of Self and Identity* 2nd ed.. Guilford Press, New York.
- Tangney, J., Tracy, J. (2012). Self-conscious emotions. In: Leary, M., Tangney, J. (Eds.), *Handbook of Self and Identity* 2nd ed.. Guilford Press, New York.

Tangney, J., Tracy, J.(2012). Self-conscious emotions. In: Leary, M., Tangney, J. (Eds.), Handbook of Self and Identity 2nd ed.. Guilford Press, New York.

Teroni, F., Deonna, J.A., (2008). Differentiating shame from guilt. *Consciousness and Cognition*, 17, 725–740.

Tracey, J., & Robins, R. (2004). Putting the self into self-conscious emotions: A theoretical model. *Psychological Inquiry*, 15, 103-125.

Tracey, J., & Robins, R. (2004). Putting the self into self-conscious emotions: A theoretical model. *Psychological Inquiry*, 15, 103-125.

Whittlea, S., Liua, K., Bastina, C., Harrisona B. J., Christopher G. Daveya,b(2016). Neurodevelopmental correlates of proneness to guilt and shame in adolescence and early adulthood. *Developmental Cognitive Neuroscience*. 19 (2016) 51–57.

Woien, S. L. , Ernst, H. A. H. , Patock-Peckham, J. A. , & Nagoshi, C. T. (2003). Validation of the TOSCA to measure shame and guilt. *Personality and Individual Differences* , 35, 313.326.

Original Article

Develop a causal model of shame and guilt feelings based on temperament and characteristic and positive and negative effects with the mediating role of Social skills

Received: 09/08/2020 - Accepted: 08/11/2020

Maryam Maghoomi¹
Parvin Kadivar^{2*}
Hadi Hashemi Razini³
Mozhgan Sepah Mansour⁴

¹ PhD Student in General Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Professor, Department of Educational Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

³ Assistant Professor, Department of Psychology, Kharazmi University, Tehran, Iran

⁴ Associate Professor, Department of Psychology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

Email:
Kadivar220@yahoo.com

Abstract

Introduction: There are many attempts today to investigate the factors affecting shame and guilt. The purpose of this study was to develop a structural model of shame and guilt based on the nature and character of positive and negative emotions with the mediating role of social skills.

Material and methods: This research is a fundamental purpose, in terms of how to collect descriptive correlational data, quantitative and field data. The statistical population of this study will be all male and female students of Islamic Azad universities in Tehran in the academic year 1398-1399. The sampling method in this research is multi-stage random. The order of the sampling steps is as follows: First, the list of Tehran's free universities is compiled and four universities are selected randomly. According to the type of research that is based on structural modeling and modeling, the number of samples is moderate, good, good and good. Therefore, in this study a sample of 4 people will be used.

Results: The results showed that the proposed model is suitable for formulating a structural model of shame and guilt feelings based on the nature and character of positive and negative emotions with the mediating role of social skills. And the direct and indirect pathways are important in explaining feelings of shame and guilt.

Conclusion: Based on these results, positive emotion training reduces feelings of shame and guilt and consequently enhances social skills.

Key words: Shame and Sin, Nature and Character, Positive and Negative Affect, Social Skills.